

رابرت یان فن پلت، کارول ویلیام وستفال

اصول معماری در عصر تاریخیگری*

رمضانعلی روح‌اللهی

با سست شدن سلطه بی‌منازع مکتب اصالت تحصیل^۱ بر عرصه اندیشه فلسفی، رفته‌رفته فلسفه تاریخ نیز، در صورتهایی تازه، دوباره جان می‌گیرد. توجه به نسبت هنر هر دوره با نگرشهای فلسفی - تاریخی حاکم بر آن نیز از توابع همین دگرگونی در حوزه اندیشه است. کتاب *اصول معماری در عصر تاریخیگری* نمونه بارز چنین رویکردی است. نویسندگان روزگار معماری مدرن و پست‌مدرن را عصر حکومت نسبیت‌گرایی پوچ برآمده از تاریخیگری می‌دانند و این نوع معماری را با توجه به چنان بنیاد فلسفی‌ای نقد می‌کنند.

کتاب یک مقدمه و نه فصل دارد، که هر یک از آنها را، به تناوب، یکی از دو نویسنده نوشته است: (۱) میراث هراکلیتوس؛ (۲) علم سیاست؛ (۳) تذکار پیامبرانه؛ (۴) انواع بنا؛ (۵) ضمانت آنتی؛ (۶) فنون معماری؛ (۷) افسردگی تقطیعی؛ (۸) شهرها؛ (۹) ذلت قیامت‌بینانه. مقاله حاضر ترجمه مقدمه کتاب است، که تصویری اجمالی از نگرش مؤلفان و ساختار و محتوای کتاب به دست می‌دهد.

عنوان *اصول معماری در عصر تاریخیگری* در مقابل کتابی است از رودلف ویتکاور^۲ با نام *اصول معماری در عصر انسان‌محوری*^۳. ویتکاور در این تاریخ‌نامه کلاسیک معماری، که آن را در هنگام جنگ جهانی دوم نوشته، از مفاهیمی بحث می‌کند که بر راه و رسم معماری دوره رنسانس حاکم بوده است. [به نظر ویتکاور،] این اصول تجسم این تلقی است که جهان پایدار و لایتغیر است و

* این مقاله ترجمه‌ای است از
Robert Jan van Pelt &
Caroll William Westfall,
*Architectural Principles in
the Age of Historicism*,
pp. 1-6.

1) positivism

2) Rudolf Wittkower
(1901-1971)

3) *Architectural Principles
in the Age of Humanism*

معماری مظهر چنین جهانی است: معماری‌ای با نظام مدولار^۴ و ساختاری مبتنی بر قواعد تناسب. ویتکاور از جهانی از دست رفته و قوانینی منسوخ سخن می‌گفت؛ با این حال، معتقد بود که بحثهایش شاید برای معماران مددی باشد تا «راه‌حلهایی بدیع و نامنتظر برای حل معضل قدیمی {تناسب}»^۵ عرضه کنند. به عبارت دیگر، او بر اعتقاد خود به تاریخیگری و نسبیست‌گرایی باقی ماند؛ اعتقاد به اینکه موضوع کارش، یعنی اصول مؤثر در معماری عهد رنسانس، زمانی معتبر بوده است و دیگر نیست؛ ولی منکر این احتمال نشد که ذکر او از علایق گذشتگان به پاره‌ای موضوعات معماری بحث جدیدی در خصوص این مسائل برانگیخته باشد. به هر حال، راه حل خاص سال ۱۵۰۰ دیگر به کار سال ۱۹۵۰ نمی‌آمد. اصول معماری «عصر انسان‌محوری»^۶ در تفکر معماران در خلال صفحات کتابش افکار بدیعی بیابند، این کار تنها با «راه‌حلهایی بدیع و نامنتظر» ممکن می‌شود. خلاصه اینکه آنان نباید اصولی را به کار بندند که لئونه باتیستا آلبرتی^۸ (۱۴۰۴-۱۴۷۲م) آنها را تدوین کرد؛ بلکه باید اصول تازه‌ای پدید کنند که با اوضاع اجتماعی و اقتصادی و علمی و فنی قرن بیستم سازگار باشد.

4) modular

5) Rudolf Wittkower, *Architectural Principles in the Age of Humanism*, p. 135.

همچنین نک:

Henry A. Millon, "Rudolf Wittkower, *Architectural Principles in the Age of Humanism: Its Influences on the Development and Interpretation of Modern Architecture*", pp. 83-91.

6) the Age of Humanism

7) the Age of Historicism

8) Leon Battista Alberti

معمار و نقاش و موسیقی‌دان ایتالیایی، از بنیان‌گذاران رنسانس ایتالیا. — و.

ویتکاور به صراحت مدعی نشد که کتابش با زمان حال مناسبتی دارد. او از این موضوع طفره رفت که آیا کاربرد تام و تمام اصول معماری دوره رنسانس در معماری معاصر رواست یا نه. با وجود این، کتاب در معماران تأثیر بسیار کرد و در مدارس معماری از متون اجباری شد. ویتکاور در پیش‌گفتار ویراست سوم کتاب، که در ۱۹۶۲ منتشر شد، نوشت: «وقتی متوجه شدم که {کتاب} بر معماران نسل جوان تأثیر گذاشته است، حال خوشی به من دست داد.» او هیچ دریافت که علت اصلی رواج کتابش طبع غیرنقاد طراحانی بود که مجذوب آن شده بودند. در سال ۱۹۶۲، نه زیر سؤال بردن اعتبار کتاب ویتکاور و مقالات و کتب و بناهای ملهم از آن جایی داشت و نه چون و چرا در الگوهای مدرنیست و تاریخیگر، که

در آن زمان الگوهای مسلط بود. با آنکه [در آن زمان] در تأیید ویتکاور، از این جهت که گذشته را منبع الهام شمرده است، سروصدای زیادی به پا کردند؛ کتاب او در غایت امر فقط دلیل دیگری به دست مردم از خود خاطر جمع روزگار او می‌داد تا با اطمینان به آینده نظر کنند. امروز، بالغ بر ربع قرن بعد از آن، ما آن اطمینان خاطر دوره کندی^۹ را از دست داده‌ایم. نظریه انتقادی^{۱۰} و نقد پست مدرن پرده از روی دعوی فراتاریخیت آیین معماری قرن بیستم، که به «جنبش مدرن»^{۱۱} معروف است، برداشته‌اند و حتی معماران نیز اکنون آگاهانه به دوره دویست‌ساله تاریخ‌نگاری وارد شده‌اند. آن دوره، دوره‌ای بود که افراد در آن با این پیش‌فرض کار می‌کردند که «امور انسانی را می‌توان به خوبی از منظر تاریخی فهمید؛ یعنی از طریق ردگیری آنها تا خاستگاهشان و شرح رابطه‌شان با مسیر تحول در گذر زمان»^{۱۲} در واقع، آنان نادانسته در تمام این احوال از برکات تاریخ‌نگاری بهره می‌بردند؛ چرا که ایدئولوژی معماری مدرن و تاریخ‌نگاری از یک ریشه بالیده‌اند؛ هر دو آنها تاریخ را عین تحول می‌دانند. با این حال، دید هنری بی‌رحمانه و ماشینی معماری مدرن، که آکنده از تظاهر به صداقت و سودمندی و نوآوری بود، حاوی این مضمون صریح بود که این تغییر و تحول رو به پیش است و ما قادریم تحولات روزگار خود را از منظری خوش‌بینانه و تکامل‌اندیشانه^{۱۳}، اگر نگوئیم معادشناسانه^{۱۴}، تعبیر و تفسیر کنیم. [در نزد مدرنیست‌ها] شهر آینده معیار حقیقت بود، چوب‌خطی بود که زیبایی‌شناسی عریان آوانگارد^{۱۵} را زیبایی‌شناسی مترقی می‌دانست و، در نتیجه، معتبرش می‌شمرد و اشکال موروث و غالباً تزینی سابق را کهنه و بی‌ثمر و ارتجاعی می‌خواند. اصل بدیهی پیشرفت قطعی اجتماعی، اقتصادی، علمی و فنی به معماری مدرن راه می‌داد تا معماری بنای مخطط و شفاف کاخ بلورین^{۱۶} (متعلق به سال ۱۸۵۱)، اثر پکستون^{۱۷}، یا ساختمان سیگرام^{۱۸} (متعلق به سال ۱۹۵۸)، اثر میس ون در روهه^{۱۹}، را عین پیشرفت و لذا عین اخلاق و خیر بداند. امروز آن قطعیت معماری مدرن و، در نتیجه، ارزشهای دروغینش را

9) John Fitzgerald Kennedy

سی‌وپنجمین رئیس جمهور ایالات متحد آمریکا. — و.

10) critical theory

11) Modern Movement

12) Henry Ritter, *Dictionary of Concepts in History*, p. 183.

13) evolutionary

14) eschatological

15) avant garde

16) *Crystal Palace*

تالار نمایشگاهی معظم که در نیمه قرن نوزدهم در انگلستان ساخته شد. این بنا از نخستین ساختمانهای پیش‌ساخته و از اولین بناها با دهانه‌های بزرگ و دیوارهای شیشه‌ای بود. — و.

17) Paxton

18) Seagram Building

آسمان‌خراشی اثر میس ون در روهه (با همکاری فیلیپ جانسون)، که طی سالهای ۱۹۵۴-۱۹۵۸ در نیویورک طراحی و ساخته شد. — و.

19) Ludwig Mies Van Der Rohe (1886-1969)

معمار آلمانی مقیم آمریکا، از بنیان‌گذاران مکتب بین‌المللی در معماری. — و.

Architectural Principles

از دست داده‌ایم. به این نتیجه رسیده‌ایم که آیین آینده‌نگرانه جنبش مدرن سر به سر تظاهراتی واهی بوده است و دوره مدرنیسم از حیث تاریخ معماری، در حقیقت دوره تاریخی‌گری‌ای فارغ از ارزش‌گذاری بوده است. با این حال، تا حدود پانزده سال پیش، اوضاع جز این می‌نمود. ویتکاور هنوز می‌توانست به طرزی غیراستدلالی مطلب بنویسد. هنوز صمیمانه معتقد بود که تناقضات میان تکالیف طراحان امروز و اصول معماری دیروز در آینده فیصله‌درستی خواهد یافت. ساده‌دلی او در ما نیست؛ چشم‌انداز فردا به دستاویز موهومی بدل شده است؛ مسئولیت در قبال امروز تظاهراتی متکلفانه است و اصول دیروز داستانی است محدود به زمان و مکان خاص خود. کتاب *اصول معماری در دوره تاریخی‌گری* در مجبوحه فروریزی ادعاهای معماران مدرن و انحراف معماران پست‌مدرن نوشته شده است. قضیه تأثیر محتمل [بررسی تأثیر تاریخ معماری بر معماری امروز] دیگر موضوع چندان مقبولی نیست و اشتیاقی بر نمی‌انگیزد. امروز بی‌ثباتی بیش از سال ۱۹۴۹ (یا ۱۹۶۲)^{۲۰} است: سخن کتاب *اصول معماری در عصر انسان‌محوری* ارزش یک دوره از تاریخ معماری بود؛ در کتاب *اصول معماری در عصر تاریخی‌گری آینده* معماری زیر سؤال است.

ما در وضعی بی‌ثبات به سر می‌بریم و، از این رو، باید ببینیم آیا می‌توان نظام‌نامه معماری‌ای پایدار و همیشگی پدید آورد یا نه. کتاب *اصول معماری در عصر تاریخی‌گری* این مسئله را در زمینه شهرها طرح می‌کند و این موضوع را وامی‌کاود که آیا رواست معماران بناهایی بسازند که موجب تبدیل «جماعت شهری»^{۲۱} (شهر به منزله جامعه) به «مکان شهری»^{۲۲} (شهر به منزله مکان زندگی) شود. *اصول معماری در عصر تاریخی‌گری* ماهیت قضیه‌ای را وامی‌رسد که همیشه آن را دو امر به کلی متمایز دانسته‌اند: غایت شهروندی و ارتباطش با شکل و آرایش ساختمانها. چنین تحقیقی را می‌توان از مبادی متفاوت اما هم‌ارزی شروع کرد. می‌توان با واریسی سازوکاری آغاز کرد که شوراهای شهری از طریق آن با عنایت به نظرهای رأی‌دهندگان تصمیم‌هایی می‌گیرند که به بافت کالبدی شهرها شکل

۲۰ اشاره به سالهای انتشار نخستین و سومین ویراست کتاب ویتکاور. — و.

21) civitas

22) urbs

می‌دهد؛ یا با واریسی روشی که صنعت وام و رهن از مجرای آن، به واسطه حدسهای عالمانه‌ای که درباره تحولات مالی و اقتصادی آینده می‌زند، تصمیم می‌گیرد که چه نوع ابنیه‌ای با چه کیفیتی باید ساخته شود. اما به عوض اینها، در این کتاب به تأمل در این می‌پردازیم که در آموزش (تاریخ) معماری، رابطه پیچیده میان قواعد یا اجزای ثابت با دگرگونیها و عناصر متغیر چگونه برقرار می‌شود.

نویسندگان کتاب در مدارس معماری تدریس می‌کنند؛ در زمره آن مورخان معماری‌اند که نظریه معماری نیز درس می‌دهند. اصول معماری در عصر تاریخیگری حاصل تأمل آنان در مطالبی است که درس داده‌اند و آنچه باید در منظر انسان‌محورانه گسترده‌تری انجام دهند. لذا آنان این کتاب را مجموعه‌ای از عقاید و ملاحظات و، خصوصاً در آن بخش از کتاب که مستقل^{۲۳} نوشته است، پیشنهادهای عملی ساخته‌اند، تا بتواند به دیگران کمک کند مدارس معماری را تقویت کنند؛ تا جوانان در آنها خود را آماده کنند که در مقام «شهروند - معمار» در درون این کلیت آشفته، که با فروپاشی بنای مستحکم معماری مدرن نقاب از چهره‌اش فروافتاده است، جهانی نو و حقاً انسانی بنا کنند. انگیزه آنان در این کار اعتقاد به این بوده که هنوز ممکن است معماران بخواهند چیزی بسازند که به قول زنده‌یاد دابلیو. اچ. اودن^{۲۴} (۱۹۰۷-۱۹۷۳) «مکان خیر»^{۲۵} باشد شهری که چون رابطی اخلاقی و سیاسی و وجودی و معمارانه، پلی باشد بر شکافی که هر یک از ما را از دیگری، و همه ما را از جهان، جدا کرده است.

بنای این کتاب بر تضاد و مقابله است. تضاد در عنوان کتاب مضمّن است. عنوان کتاب اعلام می‌کند که این کتاب «اصول معماری» یا، به بیان دیگر، زمینه باثبات و بقاعده‌ای به دست می‌دهد که مبنای عام همه تولیدات معماری است. در عین حال، این عنوان‌بندی کاشف از نوعی طرح حقایق اولیه‌ای است که می‌تواند از عمارت‌سازی در زمینه فرهنگ عصر مورد بحث، یعنی «دوره تاریخیگری»، خبر دهد و بلکه باید چنین کند. همان طور که پیش‌تر

23) Westfall

یکی از دو نویسنده کتاب - و.

24) W.H. Auden

25) Good Place

گفتیم، در اینجا واژه «تاریخ‌نگری» بر این اعتقاد رایج در آن زمان دلالت می‌کند که انسانیت زاد و رود همیشه در تکامل و تغییر تاریخ است. از این اعتقاد این باور ناشی می‌شد که «بشر» فاقد ذات و ماهیت ثابت است و، در نتیجه، تلاش برای بیان قواعد یا اصول عام و سرمدی که راهبر فعالیت‌های انسانی، از جمله ساختمان‌سازی، باشد هیچ توجیه ذاتی ندارد.

بعلاوه، اصول معماری در عصر تاریخ‌نگری کاری است از جنس تضاد هراکلیتوسی^{۲۶}. سابقه آن به گفتگویی می‌رسد که در بهار ۱۹۸۴ با دیدار دو نویسنده آن درگرفت. هر یک از آن دو، که سوابق و علایقی به‌کلی متفاوت داشتند، در دیگری چهره شهروند و همکاری را دید که علاقه‌مند به نتایج عملی تدریس تاریخ معماری است. فن پلت از ژانویه ۱۹۸۶ به مدت سه نیم‌سال در محل کار وستفال، یعنی گروه تاریخ معماری دانشگاه ویرجینیا^{۲۷}، به تدریس پرداخت. مباحثات آنها در شارلوتسویل^{۲۸} زمینه‌ای شد که این کتاب از آن سر بر کرد. آن گفتگوها خصوصاً درباره عوارض ناخواسته اصرار تاریخ‌نگران بر این امر بود که انسانیت در تکامل دایم است و، لذا، قواعد ثابتی که مبنای اعمال ما باشد نه وجود دارد و نه ممکن است وجود داشته باشد. آن هجده ماه مؤید مقولات هراکلیتوسی سیلان زمان و نسبت همه اعمال بود و تأییدی شد بر این قول هراکلیتوس که «تضاد به تلائم می‌انجامد و لطیف‌ترین پیوندها از اموری متفاوت حادث می‌شود و همه اشیا بر حسب ستیزه پدید می‌شوند»^{۲۹}. وقتی فن پلت در اوت ۱۹۸۷ از ویرجینیا عازم اونتاریو^{۳۰} شد، آن دو تصمیم گرفتند که به گفتگو درباره محاسن و معایب تحصیل تاریخ معماری در کارگاه‌های طراحی ادامه دهند. این تصمیم به دو نشست مفصل منجر شد: یکی در شارلوتسویل و دیگری در واترلو^{۳۱}. این جلسات به آنان فرصت داد در حضور جمع در آراء یکدیگر محاجه کنند. واکنش مثبت حاضران موضوع بسط آن مباحثه را پیش آورد؛ و این کتاب وسیله‌ای برای رسیدن به آن مقصود است.

26) Heraclitean

منسوب به هراکلیتوس
(ح ۵۰۰ ق م)، فیلسوف یونانی
که جهان را دار تراحم و تغییر
می‌دانست. — و.

27) Department of
Architectural History at
the University of Virginia

28) Charlottesville

شهری در ایالت ویرجینیا در
ایالات متحد آمریکا. — و.

۲۹) این قول هراکلیتوس در
کتاب اخلاق نیکوماخوس
ارسطو نقل شده است. نک:
Jonathan Barnes (ed.),
Early Greek Philosophy,
p. 115.

30) Ontario

ایالت مرکزی کانادا. — و.

31) Waterloo

شهری در ایالت اونتاریو،
کانادا. — و.

ترتیب کتاب تابع ساختار پاراکتیکیال^{۳۲} [تقطیعی] گفتگوهایی است که در شارلوتسویل و واترلو صورت گرفت (واژه پاراکتیکیال مشتق از واژه یونانی παρα به معنای «در کنار» و واژه τάσσειν به معنای «مرتب کردن و چیدن» یا τάχισ به معنای «ترتیب» است). فن پلت در فصل «میراث هراکلیتوس» از بعضی ملاحظات کلی‌ای می‌گوید که گاه زمینه گفتگوها را فراهم کرده است. او الگوی غالب کارهای تاریخی معاصر را تحلیل می‌کند و شرح می‌دهد که چگونه اندیشه عمومی درباره تاریخ و مباحث نظری معماری از صورت قالبی بی‌چون و چرا و فارغ از استدلال و امرانه، به هیئت گفتمانی آگاهانه درآمده که، در مقام سند یا ابزار جدل، دستخوش جریانهای همیشه متغیر زمانه است. نویسندگان در هفت فصل بعدی کتاب می‌کشند تا در این مسیر لنگرگاههای امنی بیابند. آنان، متأثر از سرمشق پساکانتی^{۳۳} و مدرنیسم که ما را در انتخاب منظرمان به جهان آزاد می‌گذارد، دو لنگرگاه موجود پیشنهاد می‌کنند که با هدف آنان متناسب است، هرچند که داغ زمان بر پیشانی دارد. اسکله و ستفال امنیت خاطری به دست می‌دهد؛ چون از آن وجوه حیات انسانی می‌گوید که در نظام لایتغیر امور ریشه محکمی دارند. ضمانت فن پلت از جنس دیگری است. پناه‌جایی که او پیش می‌نهد نه در لنگرگاهی کنار رود، که در علم به این نکته نهفته است که آنچه سیلابی سرکش می‌نماید، در حقیقت جریان تقدیر است که عامدانه به جانب چیزی روان است که در سنت یهودی - مسیحی، بندری امن و دل‌فریب تلقی شده و در واقعیت مدرن، چون تندابی یکسره مخرب و هبوطی نومیدکننده به ظهور رسیده که امکان پیش‌بینی آن معیاری برای روشن‌اندیشی و میزانی برای عمل به دست می‌دهد. این کلام موجز تامس هاردی^{۳۴} که «اگر راهی به اصلح در میان باشد، نیازمند واریسی دقیق افسد است»^{۳۵}، در نوشته‌های فن پلت ساری است.

فصول زوج حاوی عقاید و ستفال است و فصول فرد حاوی تأملات فن پلت. روال و نظام [هر یک از] چهار فصل زوج، همانند فصول فرد، منسجم یا نامقطع^{۳۶} است. با این حال، هر دو روایت، بی

32) paratactical

33) Post-Kantian

34) Thomas Hardy
(1840-1928)

داستان‌نویس انگلیسی. - و.

35) Thomas Hardy,
"In Tenebris II", p. 168.

(۳۷) در سالهای اخیر، واژه parataxis در نقد شعر فریدریک هولدرلین (Friedrich Hölderlin) رواج یافته است. نک: Theodor W. Adorno, "Paraxis", pp. 15-46; Pierre Bertaux, "Parataktische Denken"; Eric L. Santner, *Friedrich Hölderlin: Narrative Vigilance...*

38) propositional logic

39) Lord Acton از مورخان معروف اواخر قرن نوزدهم و نویسنده تاریخ جدید کیمبریج، که بی‌طرفی مورخ در تاریخ‌نگاری را کاری ممکن و ضروری می‌دانست. - و.

40) John Emerich Edward Dalberg-Acton, *Selection from the Correspondence of the First Lord Acton*, p. 214.

41) Leo Strauss

42) t' shuvah

هیچ ارتباطی، مقطّع و به موازات هم قرار می‌گیرند؛ به این معنا که مکتوباتی مستقل‌اند و تابع بافت نظری واحد و فراگیری نیستند.^{۳۷} انتخاب این ساختار تقطیعی تعمدی بوده است: این ساختار از طریق دگرگونی مکرر موضوعات، هم بدیهی نمودن کل بحث را سست می‌کند و هم تعادل هر یک از دو بخش را. این توالی تقطیعی کاشف از این است که، در مجموع، چگونه منطق درونی هر یک از دو رأی منطق گزاره‌ای^{۳۸} است. در جای حساسی از کتاب نیز وجود شکافی تقطیعی به یکی از نویسندگان فرصتی می‌دهد تا تردید بسیار بجایش را درباره اظهارات خود ابراز کند. این گسسته‌های استدلالی با نظر لرد اکتون^{۳۹} مطابقت دارد که گفت اگر مورخی بخواهد با مورخی دیگر مباحثه کند باید «پیش از آنکه سخن طرف مقابل را دفاع‌ناپذیر و مردود بشمارد، بحث را با درک و، در صورت امکان، تقویت و تأیید موضع حریف و تدارک گسسته‌ها و تصحیح خطاهای بحث او شروع کند».^{۴۰} سپس، نویسندگان باز بر اختلاف بنیادینی تأکید می‌کنند که مواضع وستفال و فن پلت را از هم متمایز می‌کند: همان شکافی که تفکر یونانی را از اندیشه عبری جدا می‌سازد.

جز این هم نباید باشد. لئو اشتراوس^{۴۱} (۱۸۹۹-۱۹۷۳)، از فیلسوفان سیاست، بارها گفته است که بحران مدرنیته حاکی از نیاز به «تشوّه»^{۴۲} است، که واژه‌ای است عبری به معنای رجعت یا انابه. مقصد چنین رجعتی لابد «تمدن غربی در تمامیت ماقبل مدرن آن» است. با این حال، اشتراوس قبول داشت که این تمامیت ماقبل مدرن تک‌صدایی نبوده است. [در غرب ماقبل مدرن،] همواره دو صدا بوده که باهم اختلاف اساسی داشته‌اند: یکی صدای فیلسوفان، که به آتن اشاره دارد؛ دیگری صدای متکلمان، که ما را به بیت‌المقدس می‌برد.

کل تاریخ غرب را می‌توان تلاش مکرری به قصد دست‌یابی به توافق یا تألیفی میان این دو مبنای متضاد دانست. اما همه این کوششها ناکام مانده است... سنت غربی نه به تألیف میان این دو عنصر خود، که تنها به کشاکش آنها مجال می‌دهد: راز سرزندگی غرب همین است.

بعد اشتراوس به این نتیجه می‌رسد که چون حیات تمدن غرب زیستن در میان این عقاید رقیب در عرصه شهروندی است، باید این گونه زیستن را دوباره بیاموزیم؛ باید بیاموزیم که در نزاع میان آتن و بیت‌المقدس زندگی کنیم. بازیابی اصول معماری در دوره تاریخیگری متضمن بازگشت به آتن و بیت‌المقدس، هر دو، است. یک نفر قادر به این کار نیست. اشتراوس می‌گوید: «هیچ کس نمی‌تواند هم فیلسوف باشد و هم متکلم»؛ و نتیجه می‌گیرد: «اما هر یک از ما می‌تواند، و باید، یکی از این دو باشد: فیلسوفی آماده در برابر چالش علم کلام؛ یا متکلمی آغوش‌گشوده به روی چالش فلسفه.»^{۴۳}

اما نه وستفال فیلسوف است و نه فن پلت متکلم. هر دو مورخ‌اند و این کتاب را در مقام مورخ نوشته‌اند. با این حال، در بحث وستفال نوعی تمایل فلسفی تمام‌عیار پیداست؛ و نوشته‌های فن پلت هم لحن متکلمان را دارد. این تقابل همان سؤالی را پیش می‌آورد که در فصل اول مطرح و در هفت فصل بعدی با چنان اعتباری درباره آن تحقیق شده است که سطح پاسخها را ارتقا بخشد. از همین جا معلوم می‌شود که چرا این کتاب به حکم واحدی منجر نمی‌شود که این تناقض را از طریق نوعی اجماع نهایی و شایسته حل کند. بر این قیاس، کتاب مؤخره‌ای هم که، مثل این پیش‌درآمد، نوشته مشترک هر دو نویسنده باشد، ندارد. مشارکت آن دو، چون مشارکت‌هایی که در زندگی واقعی پیش می‌آید، به صرف خاتمه تعهد پایان می‌یابد. بنابراین، جوهره این کتاب را بایستی از دل جریان واقعی گفتگو بیرون کشید — از تبادل لرزان اندیشه و امید و درد که، مانند هر ارتباط دوستانه دیگری، در قالب سکوتها و وقفه‌هایی تقطیعی که جریان تأییدات توضیحی طرفین را قطع و وصل می‌کند، نمونه‌هایی از صداقت و حقیقت‌جویی عرضه می‌دارد

منابع:

- Adorno, Theodor W. "Parataxis", *Neue Rundschau* 75 (1964), pp. 15-46.

43) Leo Strauss,
*The Rebirth of Classical
Political Rationalism*,
pp. 72f, 270.

خیال ۱۰

تابستان ۱۳۸۳ فصلنامه فرهنگستان هنر

۱۴۳

- Aristotle. *Nicomachean Ethics*.
- Barnes, Jonathan (ed.). *Early Greek Philosophy*, Harmondsworth etc., Penguin Books, 1987.
- Bertaux, Pierre. "parataktische Denken", *Friedrich Hölderlin*, Frankfurt am Main, Suhrkamp, 1980.
- Dalberg-Acton, John Emerich Edward. *Selections from the Correspondence of the First Lord Acton*, eds. John Neville Figgis and Reginal Vere Laurence, London, Longmans, Green & Co., 1917.
- Hardy, Thomas. "In Tenebris II", James Gibson (ed.), *The Complete Poems*, London, Macmillan, 1976.
- Millon, Henry A. "Rudolf Wittkower, *Architectural Principles in the Age of Humanism*: Its Influence on the Development and Interpretation of Modern Architecture", *Journal of the Society of Architectural Historians* 31 (1972), pp. 83-91.
- Pelt, Robert Jan van and Carroll William Westfall. *Architectural Principles in the Age of Historicism*, New Haven and London, Yale University Press, 1993.
- Ritter, Harry. *Dictionary of Concepts in History*, New York, Westport, Connecticut and London, Greenwood Press, 1986.
- Santner, Eric L. *Friedrich Hölderlin: Narrative Vigilance and the Poetic Imagination*, New Brunswick and London, Rutgers University Press, 1986.
- Strauss, Leo. *The Rebirth of Classical Political Rationalism*, ed. Thomas L. Pangle, Chicago and London, The University of Chicago Press, 1989.
- Wittkower, Rudolf. *Architectural Principles in the Age of Humanism*, Studies of the Warburg Institute. vol. 19, London, The Warburg Institute, 1949.